

It's No Big Deal: 4 Natural Ways to Handle Small Problems

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

9 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

It's no big deal.

مسئله مهمی نیست. · چیزی نیست.

DEF

A reassuring response that says a problem is not very serious or difficult.

Use it only for genuinely small problems. If someone is deeply upset or the loss is serious, it can sound dismissive rather than comforting.

FA

پاسخی اطمینان‌بخش برای گفتن اینکه مشکلی خیلی جدی یا دشوار نیست.

فقط برای مشکلات واقعا کوچک استفاده شود. اگر کسی بسیار ناراحت است یا خسارت جدی است، ممکن است بی‌اعتنا به نظر برسد نه دلگرم‌کننده.

I printed the old version by mistake. It's no big deal; we can print the new one.

اشتباهی نسخه قدیمی را چاپ کردم. مسئله مهمی نیست؛ می‌توانیم نسخه جدید را چاپ کنیم.

You are five minutes late, but it's no big deal.

پنج دقیقه دیر کردی، اما چیزی نیست.

2

These things happen.

این چیزها پیش می‌آید. · ممکن است چنین اتفاقی بیفتد.

DEF

A warm response that treats a small mistake or accident as understandable and avoids blame.

The phrase normalises an ordinary mistake. Add a practical next step afterwards when you want to sound supportive rather than passive.

FA

پاسخی گرم که اشتباه یا حادثه‌ای کوچک را قابل درک می‌داند و از سرزنش دوری می‌کند.

این عبارت اشتباهی عادی را طبیعی جلوه می‌دهد. برای اینکه حمایتی به نظر برسد نه منفعل، پس از آن گام عملی بعدی را اضافه کنید.

I sent the message to the wrong group. These things happen.

پیام را برای گروه اشتباهی فرستادم. این چیزها پیش می‌آید.

These things happen. We'll send a correction now.

ممکن است چنین اتفاقی بیفتد. حالا اصلاحیه‌ای می‌فرستیم.

3

We'll figure it out.

راه‌حلی پیدا می‌کنیم. · با هم حلش می‌کنیم.

DEF

We are confident that we can understand the problem and find a solution together.

Figure something out means solve or understand it. The pronoun we shares responsibility; use I'll figure it out when the responsibility is yours alone.

FA

اطمینان می‌دهد که می‌توانیم با هم مشکل را درک و راه‌حلی پیدا کنیم.

I'll figure it out مسئولیت را مشترک می‌کند؛ وقتی مسئولیت فقط با شماست از we یعنی چیزی را حل یا درک کردن. ضمیر Figure something out

The booking system is not working, but we'll figure it out.

سامانه رزرو کار نمی‌کند، اما راه‌حلی پیدا می‌کنیم.

We do not have enough chairs, but we'll figure it out before the guests arrive.

صندلی کافی نداریم، اما پیش از رسیدن مهمان‌ها با هم حلش می‌کنیم.



4

Let me take care of it.

بگذار خودم رسیدگی کنم. • من انجامش می‌دهم.

DEF

An offer to handle a problem or task yourself so the other person does not need to manage it.

Take care of something here means deal with it, not look after a person. The phrase sounds calm and confident, so use it only when you can keep the promise.

FA

پیشنهاد برای اینکه خودتان مشکل یا کار را بر عهده بگیرید تا طرف مقابل لازم نباشد آن را مدیریت کند.

Take care of something دهید انجام دهی که بتوانید قولتان را انجام دهید. عبارت آرام و مطمئن است، پس فقط وقتی به کار ببرید که بتوانید قولتان را انجام دهید. اینجا یعنی.

The printer needs more paper. Let me take care of it.

چاپگر به کاغذ بیشتری نیاز دارد. بگذار خودم رسیدگی کنم.

Someone needs to call the hotel. Let me take care of it.

یکی باید با هتل تماس بگیرد. من انجامش می‌دهم.

5

Don't worry about it.

نگران نباش. • نگران نباش.

DEF

A friendly way to tell someone that they do not need to remain concerned about a small problem.

It can accept an apology and release the speaker from further worry. Avoid it when the concern is serious or still needs attention.

FA

روشی دوستانه برای گفتن اینکه کسی لازم نیست بابت مشکلی کوچک همچنان نگران باشد.

می‌تواند عذرخواهی را بپذیرد و فرد را از نگرانی بیشتر رها کند. برای نگرانی جدی یا موضوعی که هنوز نیاز به رسیدگی دارد مناسب نیست.

I'm sorry I moved your notes. Don't worry about it; I found them.

بخشید یادداشت‌هایت را جابه‌جا کردم. نگران نباش؛ پیدایشان کردم.

Don't worry about the broken label. I can replace it.

نگران برچسب شکسته نباش. می‌توانم عوضش کنم.

6

We can sort it out.

می‌توانیم حلش کنیم. • می‌توانیم سر و سامانش بدهیم.

DEF

We can organise, repair or resolve the problem successfully.

Sort something out is a common British phrasal verb for resolving a practical problem or confusion. We creates a cooperative tone.

FA

بیان می‌کند که می‌توانیم مشکل را با موفقیت سامان دهی، تعمیر یا حل کنیم.

Sort something out است رفع سردرگمی یا حل مشکل عملی یا رفع سردرگمی است.

The timetable is wrong, but we can sort it out this afternoon.

برنامه زمانی اشتباه است، اما می‌توانیم امروز بعدازظهر حلش کنیم.

We can sort out the seating before the guests arrive.

می‌توانیم پیش از رسیدن مهمان‌ها ترتیب صندلی‌ها را سر و سامان بدهیم.



7

It's easily fixed.

به راحتی درست می شود. • راه حل ساده ای دارد.

DEF

The problem can be corrected or repaired without much difficulty.

Fixed may refer to a physical repair or correcting information, plans or arrangements. Easily reassures the listener that the solution is straightforward.

FA

نشان می دهد مشکل بدون دشواری زیاد قابل اصلاح یا تعمیر است.

به شنونده اطمینان می دهد که راه حل ساده است. Easily می تواند به تعمیر فیزیکی یا اصلاح اطلاعات، برنامه ها و هماهنگی ها اشاره کند. Fixed

The date is wrong, but it's easily fixed.

تاریخ اشتباه است، اما به راحتی درست می شود.

The loose handle looks worrying, although it's easily fixed.

دستگیره شل نگران کننده به نظر می رسد، هرچند راه حل ساده ای دارد.

8

Leave it with me.

بسپارش به من. • من رسیدگی می کنم.

DEF

Give me responsibility for this task or problem and I will deal with it.

This concise British expression sounds reassuring and competent. It asks the other person to stop managing the issue because you are taking ownership.

FA

می خواهد مسئولیت کار یا مشکل را به شما بدهند تا خودتان به آن رسیدگی کنید.

این عبارت کوتاه بریتانیایی اطمینان بخش و حرفه ای است. از طرف مقابل می خواهد مدیریت موضوع را رها کند چون شما مسئولیت را بر عهده می گیرید.

The supplier has not replied yet. Leave it with me.

تأمین کننده هنوز پاسخ نداده است. بسپارش به من.

Leave the booking with me and I'll call the hotel.

رزرو را به من بسپار تا با هتل تماس بگیرم.

9

No harm done.

آسیبی نرسیده. • اتفاقی نیفتاده.

DEF

A response meaning that a mistake caused no real damage, injury or lasting problem.

This phrase accepts an apology by focusing on the absence of consequences. Use it only when you can honestly say that nothing important was harmed.

FA

پاسخی که می گوید اشتباه باعث آسیب، صدمه یا مشکلی ماندگار نشده است.

این عبارت با تمرکز بر نبود پیامد، عذرخواهی را می پذیرد. فقط وقتی استفاده کنید که واقعا چیز مهمی آسیب ندیده باشد.

I'm sorry I used your mug. No harm done.

بخشید از لیوانت استفاده کردم. اتفاقی نیفتاده.

The email went to me instead of Sam, but no harm done.

ایمیل به جای سم برای من آمد، اما آسیبی نرسیده.

